



چگونگی تلفظ «کعبتین» در زبان و ادب فارسی

دکتر علی اصغر قهرمانی مقبل^۱، دکتر سید ناصر جابری اردکانی^۲

چکیده

در این مقاله تلفظ و معنای صحیح واژه «کعبتین» بررسی شده است. در بخش نخست، تلفظ و معنای این کلمه در لغت‌نامه‌ها نقد شده، گفته شده است که فرهنگ‌ها معمولاً برای این کلمه تنها یک تلفظ و یک معنا قائل شده‌اند و آن را دو تاس نرد معنی و به صورت «ka'batayn» ذکر کرده‌اند که برداشتی صحیح نبوده است و در اینجا شکل دقیق‌تر آن بیان شده است. در بخش دوم مقاله به بررسی واژه کعب، کعبین و کعبتین، در متون عربی پرداخته شده، چنین نتیجه‌گیری شده است که، واژه کعبتین به این شکل و معنا که در زبان فارسی رایج است در زبان عربی کاربرد نداشته است و در واقع کعبتین کلمه‌ای است برساخته شعرای فارسی زبان. در ادامه بر اساس شواهد شعری آمده است که تا قرن ششم این واژه به صورت «ka'batayn» و از آن به بعد تغییر کرده، غالباً «ka'batayn» تلفظ شده است. دقت در تلفظ صحیح این کلمه از لحاظ عروضی اهمیت دارد و کمک می‌کند تا اشعار کلاسیک و موزون به شکلی صحیح و همان گونه که مد نظر شاعر بوده است قرائت شود و نهایتاً در لغت‌نامه‌ها و نیز در برخی مقالات، لغزش‌هایی در باب معنای واژه کعبتین صورت گرفته است که آن نیز به اختصار بررسی شده است.

کلید واژه‌ها: کعب، کعبتین، نرد.

ali.ghahramanim@gmail.com

Jaberi.naser@gmail.com

۱- استادیار دانشگاه خلیج فارس بوشهر (نویسنده مسئول)

۲- استادیار دانشگاه خلیج فارس بوشهر

مقدمه

کعبتین از واژه‌های مورد استفاده شاعران و نویسندگان ادب فارسی است. شاعران و نویسندگانی مانند ابوسعید ابوالخیر، ازرقی، انوری، مسعود سعد، سنایی، خاقانی، نظامی، نصر الله منشی، سعدی، وحشی بافقی، صائب تبریزی، اوحدی مراغه‌ای، امیر خسرو دهلوی، قائلی، و... این واژه را در آثار خود به کار برده‌اند. نگاهی به آثار این بزرگان نشان می‌دهد که این کلمه از قرن چهارم تا سیزدهم در شعر و ادب فارسی کاربرد داشته است و از این میان البته برخی آن را بیشتر به کار برده‌اند و این می‌تواند به دلایلی از جمله شدت و ضعف رواج بازی نرد در دوره‌های مختلف و یا ارتباط شاعر و نویسنده با دربار- که بازی نرد در آنجا رواج داشته است - بوده باشد. هم چنین این واژه جهت کاربرد در متون ادبی، نسبت به کلمه تاس که معادل عامیانه آن است قابلیت بیشتری دارد، به همین دلیل شاعری چون خاقانی به دلیل علاقه‌ای که به کلمات مطمئن دارد و نیز به دلیل دقتی که در انتخاب کلمات به کار می‌برد، از آن بیشتر استفاده کرده است. در واقع این کلمه هم بیانگر شکل هندسی شیء مورد نظر در بازی نرد است، هم جهت کاربرد در متون ادبی قابلیت لازم را داشته است و در ترکیبات و کنایات معدودی نیز به کار رفته است.

واژه کعبتین در بازی نرد کاربرد دارد و این بازی از اختراعات ایرانیان دانسته شده است. در رساله «گزارش شطرنج و وضع (به معنی ابداع) نرد» آمده است که پادشاه هند به دربار انوشیروان شطرنجی به عنوان هدیه فرستاد و پادشاه از بزرگمهر حکیم خواست تا هم اسرار آن را بکاود هم نظیره‌ای بسازد تا آن را در پاسخ، به دربار پادشاه هند بفرستد و او نرد را اختراع کرد (تفضلی، ۱۳۸۶، ص ۲۹۲-۲۹۱). این مطلب می‌تواند افسانه باشد؛ زیرا طبق تحقیقات باستان شناسی، در شهر سوخته واقع در زابل که پنج هزار سال قدمت دارد اشیایی یافت شده است که همان ابزار مورد نیاز بازی نرد است، لذا این نکته قدیمی‌تر بودن این بازی را نسبت به عهد ساسانیان نشان می‌دهد و در عین حال سابقه پنج هزارساله آن را در ایران نیز یادآور می‌شود، اما این امکان نیز وجود دارد که در دوره ساسانیان این بازی رواج بیشتری یافته باشد و داستان ارسال آن به هند نیز حاکی از تلاشی جهت ترویج و معرفی آن تلقی شود. در حال حاضر این بازی در میان ایرانیان، اعراب، ترکیه‌ای‌ها و مردم اروپای شرقی رواج دارد (ویکی پدیا). جالب اینکه در میان عرب‌ها و ترک‌ها؛ به هنگام بازی، اصطلاحاتی مانند دو و شش، سه و یک، و ... رواج دارد.

ذکر این نکته نیز لازم است که شاعران واژگان راجع به نرد را صرفاً برای توضیح بازی آن به کار نبرده‌اند؛ بلکه جهت آفرینش مضامین و معانی به کار برده‌اند. به عنوان مثال؛ همانگونه که حافظ برای بیان بازی‌های روزگار از کلمات راجع به شطرنج استفاده می‌کند و در برابر حوادث پیش بینی نشده‌اش از راندن بیدق و ننالیدن بر عرصه شطرنج رندان سخن می‌گوید، خاقانی نیز ستارگان شب را چون مهره‌هایی می‌بیند که با طلوع کعبتین گون خورشید برچیده و ناپدید می‌شوند و نیز بارها بازی روزگار را به پرتاب شدن کعبتین تشبیه می‌کند که نقش آن غیر قابل پیش بینی است و صدها مضمون دیگر از این قبیل که مجال پرداختن به آن نیست.

حال با توجه به ایرانی بودن بازی نرد جای این سؤال هست که چرا برای یکی از اجزای مهم این بازی (تاس) از واژه عربی استفاده شده است؟ اما سؤال اصلی مقاله راجع به معنا و شیوه تلفظ این کلمه است، لذا با توجه به چگونگی کاربرد این کلمه در ابیات و عبارات فارسی سعی داریم به این پاسخ برسیم که آیا این واژه مثنی به کار رفته و به معنی دو کعبه (دو تاس نرد) است یا این که پسوند «ین» در این واژه ممکن است علامت تشبیه نباشد، بلکه نشانه نسبت باشد؟ در پی پاسخ به پرسش نخست، این سؤال مطرح می‌شود که آیا تلفظ این واژه به صورت کعبتین (مختوم به هجای کشیده) است یا ممکن است تلفظ دیگری داشته باشد که شاعران در اشعار خود به آن نظر داشته‌اند و با توجه به وزن شعر می‌توان آن را دریافت.

پیشینه تحقیق

مقاله «کعبتین: سه شش، سه یک، دو شش، دو یک» اثر محمد جعفر محبوب یکی از معدود مقالاتی است که درباره کعبتین و اصطلاحات نرد نوشته شده است و البته چنان که خواهد آمد برخی از نکات آن در اینجا مورد انتقاد قرار گرفته است. کتاب *تخته نرد، تقدیر یا تدبیر* تألیف ابوالقاسم تفضلی نیز اثر دیگری است که در آن بسیاری از حکایات تاریخی، اشعار شاعران قدیمی، تعبیرها و اصطلاحات پیرامون تخته نرد بررسی شده است. در مورد بازی نرد آثار دیگری نیز تألیف شده است که مطالعه آنها جهت اشراف بر کیفیت این بازی و نیز بررسی اصطلاحات و تعبیر مربوط به آن در متون ادب، مؤثر است.^۲ تفاوت این مقاله با دیگر آثار مذکور این است که در این مقاله تنها به یکی از واژه‌های بازی نرد پرداخته می‌شود و امید است که نتیجه آن از نظر زبان‌شناسی و عروض نیز مفید باشد.

کعبتین در لغت‌نامه‌های فارسی

درباره تلفظ واژه «کعبتین» بیش از دو احتمال وجود ندارد؛ نخست این که علامت «ین» نشانهٔ تثنیه است و در نتیجه به صورت «کَیْن» (ayn) و یا امروزه به شکل «کَیْن» (eyn) تلفظ می‌شود. پس تلفظ این واژه به صورت کعبتَین (ka'batayn) خواهد بود به معنی دو کعبه. از نظر کمیّت هجایی نیز، هجای سوم کعبتین (تَین) معادل یک هجای کشیده (صامت+ مصوّت کوتاه+ صامت+ صامت) است. احتمال دوم این است که علامت «ین» در این واژه نشانهٔ تثنیه نباشد بلکه پسوند نسبت باشد و به صورت «in» (کعبتین بر وزن کمترین) باشد. در نتیجه هجای پایانی آن به صورت صامت+ مصوّت بلند+ صامت خواهد بود.

در تمامی لغت‌نامه‌هایی که کعبتین در آنها وارد شده، آن را به صورت نخست یعنی کعبتَین خوانده و مثنیّ به شمار آورده‌اند. به طور مثال:

کعبتین [کَب تَ] [ع |] دو طاس بازی نرد یعنی دو مهرهٔ کوچک شش پهلوئی از استخوان و بر هر ضلعی از اضلاع ششگانهٔ آن دو به ترتیب از عدد یک تا شش نقش کنند، یعنی هر پهلو و جانبی دارای یکی از این شش عدد است و آن را هوسین نیز گویند (از ناظم الاطباء). و ترتیب نقش‌ها چنین است که جمع اعداد هر طرف با طرف مقابل آن باید هفت شود...

گرشاه سه‌شش خواست سه‌یک زخم افتاد تاظن نبری که کعبتین داد نداد
آن زخم که کرد رای شاهنشاه یاد در خدمت شاه روی بر خاک نهاد
(دهخدا، لغت‌نامه، ذیل «کعبتین»)

اما تعارض در میان متن و شاهد مثال نمایان است، به طوری که در شاهد سخن از سه شش است، در صورتی که از کعبتَین (دو تاس) نمی‌توان بیش از دو شش انتظار داشت که در ادامه به تفصیل در این باره سخن خواهیم گفت. از سوی دیگر وزن در مصراع دوم رباعی یعنی در هجای پایانی کعبتَین دچار اشکال است.

معنی کعب، کعبه، کعبین، و کعبتین در زبان عربی

معنای رایج «کعب» در زبان عربی قوزک پاست و نیز هر برآمدگی، مثلاً گره‌های موجود در نیزهٔ

چوبی را نیز کعب نامیده‌اند. این واژه مجازاً به معنی علو و شرف آمده است و از این رو کعب به عنوان نامی برای فرزندان ذکور به کار می‌رود. منظور از «کعبه» نیز خانه‌ای است که دارای چهار گوشه باشد (جاحظ، الحیوان، ج ۳، ص ۷۳)، برخلاف خیمه که خانه رایج عرب‌ها بوده و گوشه نداشته است. از این رو بیت الحرام که خانه‌ای به صورت مکعب بوده به کعبه مشهور شده و البته تنها کعبه موجود در نزد عرب پیش از اسلام نبوده و از کعبه‌ای دیگر به نام کعبه نجران نیز نام برده شده است (جاحظ، همان، ج ۳، ص ۷۳).

در برخی از معاجم واژه کعب به معنی تاس‌ها آمده و مفرد کعب و کعبه ذکر شده است (ابو الفرج اصفهانی، الأغانی، ج ۱۲، ص ۲۲۶؛ ابن منظور، لسان العرب، ص ۱۰۷؛ زبیدی، تاج العروس، ج ۱/۱۳۰۶: ص ۴۵۶). با وجود این ما در متون عربی با تثنیه کعبه (کعبتین) به معنی دو تاس نرد برخورد نکردیم و تنها تثنیه کعب را به صورت کعبان و کعبین یافتیم (مفضل ضبی، أمثال العرب، ص ۹۲؛ جاحظ، الحیوان، ج ۵، ص ۲۰۴). از جمله در این بیت از ابونواس:

حَلَفْتُ الْيَوْمَ بِالطَّنْبُو ... رِوَاكَعَيْنِ وَالنَّارِدِ

(دیوان، ص ۱۳۰)

حدیثی به پیامبر اسلام منسوب است که در آن واژه کعبتین بدین صورت به کار رفته است: «إِيَّاكُمْ وَهَاتَيْنِ الْكَعْبَتَيْنِ الْمَشْهُومَتَيْنِ...» (جریر طبری، جامع البیان، ج ۲، ص ۲۰۹؛ طبرسی، جوامع الجامع، ج ۱، ص ۱۲۰؛ فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۶، ص ۶۰۰). البته در اینجا منظور از کعبتین دو تاس نرد نیست، بلکه منظور دو بازی نرد و شطرنج است. این عبارت به صورت «إِيَّاكُمْ وَهَاتَيْنِ اللَّعْبَتَيْنِ...» نیز آمده است و شاید در این واژه تصحیفی رخ داده باشد (طبرسی، جوامع الجامع، ج ۱، ص ۱۲۰ (پاورقی)؛ زمخشری، الکشاف، ج ۱، ص ۲۶۲) و ما در معاجم واژه کعبه را به معنی بازی نیافتیم.

شاید سعدی به تأثیر از این عبارت نبوی در بیتی واژه کعبتین را به همین معنی آورده است:

به عمر خویش ندیدم من این چنین علوی که خمر می‌خورد و کعبتین می‌بازد
(سعدی، ۱۳۸۵: ۱۲۰۸)

خلاصه این که در متون عربی، اصطلاح کعبتین در زبان عربی به معنی دو تاس نرد به کار

رفته است، اگرچه بسامد آن از مترادفش یعنی «فص» و «فصین» کمتر است، ولی کعبه و مثنای آن کعبتین به معنی دو تاس نرد کاربرد نداشته است. گاهی نیز واژه کعب و فصوص به معنی بیش از دو تاس آمده که شاید دلالت بر آن داشته باشد که در نوعی از بازی نرد بیش از دو تاس حضور داشته است. و بالاخره این که کعبتین (شاید لعبتین) در مواردی به معنی دو بازی نرد و شطرنج آمده است. از این رو با توجه به مطالب فوق می‌توان چنین استنتاج کرد که به احتمال قریب به یقین «کعبتین» به معنی تاس نرد ساخته و پرداخته شاعران پارسی‌گو است.^۳

صامت «ن» ساکن پس از مصوت بلند در نظر عروضیان و زبان‌شناسان

اکنون پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا واژه کعبتین (با این مثنی) صحیح و تنها صورت ممکن است یا می‌توان این واژه را به گونه‌ای دیگر خواند که معنای تشبیه نیز نداشته باشد؟ به نظر ما این واژه در ادبیات فارسی تا سده ششم هجری نه به صورت مثنی بلکه بر وزن کمترین و به صورت «ka'batin» خوانده می‌شده و علامت «ین» (in) نیز در اینجا علامت نسبت بوده است، یعنی منسوب به کعبه (کعبه)، همچنان که در برخی دیگر از واژه‌های عربی نیز می‌بینیم که علامت «ین» نسبت فارسی را پذیرفته‌اند. مانند: غمین، اولین، آخرین، عنبرین، و...

مهم‌ترین دلیل ما برای اثبات این سخن وزن شعر است، کعبتین در هر دو صورت شامل سه هجاست؛ هجای نخست (کَعْ)؛ بلند، هجای دوم (بْ)؛ کوتاه است. اما چگونگی تلفظ هجای پایانی در کمیّت هجایی آن و در نتیجه در نوع هجا تعیین کننده است، زیرا در عروض از نظر کمیّ تفاوت مهمی میان دو هجای زیر وجود دارد:

- تین: معادل هجای کشیده (صامت + مصوت کوتاه + صامت + صامت)

- تین (tin): معادل هجای بلند (صامت + مصوت بلند + صامت)

در عروض فارسی اگر حرف «ن» ساکن باشد و پس از مصوت بلند قرار گیرد، در تقطیع به شمار نمی‌آید و ما چنین هجایی را بلند می‌شماریم. حال باید دید که واژه کعبتین در اشعار شاعران به صورت «U-U» یا «-U» تقطیع می‌شود. اما پیش از پرداختن به این موضوع اندکی صامت «ن» را از نظر عروضیان و زبان‌شناسان مورد توجه قرار دهیم:

شمس قیس این نوع نون را غیر ملفوظ خوانده و آن را از تقطیع ساقط دانسته است. (المعجم،

ص ۹۹)

خواجه نصیر الدین طوسی دربارهٔ نون ساکن پس از مصوت بلند چنین آورده است: "حرف‌های دیگر باشد که هم از ترکیب دو حرف حادث شود، مثلاً چنان که از ترکیب یکی از حروف مدّ با غنّتِ «نون» در لفظ‌های «دون» و «دان» و «دین» و امثال این افتد که بر وزنِ «دو» و «دا» و «دی» باشند". (معیار/الشعار، گ ۵ پ)

سیفی بخاری در این باره با وسواس بیشتری سخن گفته است: "بدان که هر نون ساکن که بعد از حرف مد باشد (و حروف مد، واو ساکن ماقبل مضموم و الف ساکن ماقبل مفتوح و یای ساکن ماقبل مکسور باشد همچو لفظ: چون و جان و چین، اگر در میان مصراع واقع شود، ساقط شود در تقطیع" (عروض سیفی، ص ۳۹). او همچنین فرق قائل شده است میان نون ساکن پس از حرف مد (مصوت بلند)، و نون ساکنی که پس از حرف مد نیامده است مانند: امن و عون و عین.

برخی عقیده دارند که دلیل به شمار نیامدن این نون در تقطیع، عدم تلفظ آن پس از مصوت بلند بوده است که در برخی از لهجه‌های فارسی وجود داشته است. به طور مثال فین تیسن خاورشناس دانمارکی تبدیل واژه «از این را» به «زیرا» و حذف شدن نون در این واژه را به همین دلیل می‌داند که در املا نیز «ن» از این واژه مرکب حذف شده است. نیز عنوان می‌کند که تبدیل جوانمرد در زبان ترکی به صورت «cömerd» و نیز دخول «مانده» از فارسی به زبان اردو به صورت «māda» به علت عدم تلفظ نون در اصل فارسی بوده است. (Finn Thiesen, A)
(*Manual of Classical Persian Prosody*, p. 41)

دکتر علی‌اشرف صادقی نیز در مقاله‌ای به صامت «ن» بعد از مصوت‌های بلند پرداخته و تحوّل آن را در زبان فارسی در ادوار مختلف مورد بررسی قرار داده و شواهد بسیاری از متون ادبی به دست داده است که در هجای پایانی واژگان متعددی صامت نون پس از مصوت بلند حذف و یا افزوده شده است (رک: صادقی، «دو تحوّل آوایی در زبان فارسی: حذف و اضافه شدن صامت «ن» بعد از مصوت‌های بلند»، *مجلهٔ زبان‌شناسی*، ش ۳۸، ص ۱-۹)

اگرچه ممکن است در دوره‌هایی در برخی از مناطق صامت نون، دزدیده تلفظ می‌شده و یا اصلاً تلفظ نمی‌شده است؛ همانطور که در لهجهٔ امروز مناطقی از افغانستان و تاجیکستان در

مقایسه با مناطق متعدد ایران صامت نون به صورت دزدیده و خفیف ادا می‌شود و نیز یاقوت حموی دربارهٔ چگونگی تلفظ شهر «مُکران» متذکر می‌شود که حرف نون در این واژه «نون اعجمی» است بدون آن که توضیحی دربارهٔ این نون ارائه کند (معجم البلدان، ج ۵، ص ۱۷۹)؛ بر ما پوشیده است که نون اعجمی همان چیزی است که شمس قیس از آن با عنوان «نون غیر ملفوظ» یاد می‌کند یا نه؟

بگذریم از این که صامت نون پس از مصوت بلند از نظر تاریخی هر طور که ادا می‌شده و یا در برخی لهجه‌ها اصلاً ادا نمی‌شده است، و بگذریم از این که عروضیان برای سهولت آموزش وزن شعر غالباً چنین عنوان می‌کنند که نون ساکن پس از مصوت بلند حذف می‌شود و یا به شمار نمی‌آید، ولی این واقعیت انکار ناپذیر است که ما امروزه این صامت را در اشعار حذف نمی‌کنیم و آن را با تلفظ امروزی ادا می‌کنیم بدون آن که شعر دچار اختلال وزنی شود. یعنی ادا کردن صامت نون پس از مصوت بلند و یا حذف آن، هیچ تأثیری در کمیت هجایی ندارد. این در حالی است که این حکم فقط دربارهٔ صامت نون صادق است.

از این رو دکتر خانلری پس طرح این نکته که «این نون غیر ملفوظ نیست و درست تلفظ می‌شود» به دنبال یافتن دلیلی از دید زبانی است که این مسئله را از زبان‌شناسی تبیین کند. او پس بهره بردن از امکانات آزمایشگاهی نتایج به دست آمده را چنین بیان می‌کند:

"تلفظ کلمه‌ای مانند **جان** یا **خون** هنگامی که مصوت «ā» یا «ū» ادا می‌شود صوت تنها از دهان بیرون می‌آید و هنگام تلفظ «نون» راه حفرهٔ دهان به وسیلهٔ تکیه کردن سر زبان به لثهٔ دندان‌های بالا بسته می‌شود و نفس تنها از حفرهٔ بینی خارج می‌گردد و تلفظ این حرف در این مورد، یعنی پس از مصوت‌های بلند درست مانند تلفظ آن پس از مصوت‌های کوتاه است و تفاوتی در این دو مورد وجود ندارد... در تلفظ هجاهایی که در آنها پس از مصوت بلند حرف «ن» هست پردهٔ کام زودتر فرو می‌افتد و دنبالهٔ ارتعاشات گلو که موجب ایجاد آواز مصوت پیشین بوده است از راه حفره‌های خیشوم خارج می‌شود. به عبارت دیگر امتداد مصوت‌های بلند در این مورد و به این سبب که ذکر شد کمتر از امتداد همان مصوت‌ها در دیگر موارد است. این نکته را روی تجربهٔ آزمایشگاهی نیز می‌توان دریافت. به این معنی که پس از ثبت ارتعاشات یک بیت شعر (که در آن مصوت‌های بلند هم در هجای گشاده و هم در هجای بسته‌ای که به حرف «ن» ختم می‌شود

وجود داشته باشد) و اندازه‌گیری طول ارتعاشات مصوت‌ها در دو مورد فوق، می‌بینیم که همین نکته تأیید می‌شود" (خانلری، وزن شعر فارسی، ص ۱۴۶).

جالب‌تر این که اگر شاعر چنین هجایی را در شعر خود معادل هجای کشیده بیاورد، شعر او دچار اشکال وزنی می‌شود. به طور مثال:

مَثَقَلانِ خَاکِ بَرِجا مَآئِنْدند سَابِقونَ السَّابِقونِ دَررَأِنْدند

(مولوی، د، ۵، ب ۳۷۳۹)

اشکال بیت راجع به نحوه تلفظ است؛ برای اینکه اشکال آن در سمع کمتر حس شود، خواننده ناچار است در کلمات مشخص شده حرف نون را به شکل غیر معمولی تلفظ کند.

کعبتین در اشعار فارسی

واژه کعبتین در کتاب‌های منثور و منظوم فارسی به کار رفته است، البته برای تعیین چگونگی تلفظ آن تنها ورود آن در شعر و در نظر گرفتن تقطیع آن راهگشا خواهد بود؛ یعنی می‌توان در وزن بیت‌هایی که در آنها کعبتین آمده است دقت کرد که آیا این واژه مختوم به «ayn» (eyn) یا مختوم به «in» خوانده می‌شود. نیز باید در نظر داشته باشیم که این تمایز تنها زمانی ممکن خواهد بود که بخش «ین» در کعبتین در شرایط زیر واقع شود:

- صامت «ن» مطلقاً ساکن باشد، یعنی همراه کسره اضافه نباشد و نیز «ن» با واژه پس از خودش که ممکن است با همزه آغاز شده و یا «و» عطف بوده باشد ادغام نشود. به طور مثال کعبتین در دو بیت زیر تعیین کننده نخواهد بود:

بَرِخَطا و جَرَمِ خُودِ واقِفِ شَدند گرچِه ماتِ کَعْبَتینِ شِه بَدند

(مولوی، د، ۵، ب ۴۱۹۰)

کَعْبَتینِ از رِخِ و از پیلِ بَدانمِ بِه صَفَتِ نَرِدبَازِی و شَفَطَرَنجِ بَدانمِ زَنَدَبِ

(سنایی، ۱۳۹۰ ص ۷۰)

در بیت نخست صامت «ن» در کعبتین مکسور است و در بیت دوم نیز صامت «ن» مفتوح است و همزه حرف «از» حذف شده و تقطیع آن به صورت «کح، ب، تی، نَز» در آمده است. در

این دو بیت کعبتین با هر تلفظ که خوانده شود وزن صحیح خواهد بود و تمایزی بین آنها نیست.

- «تین» به عنوان هجای پایانی مصراع نباشد، زیرا تقابل کمیّت هجایی در پایان مصراع از بین می‌رود. به طور مثال:

رقعه همچون قطب؛ وز شش، چار، دو بر کعبتین از سه سو پروین و نعش و فرقدان انگیخته
(خاقانی، ۱۳۷۵، ص ۵۲۹، ب ۲۳)

نکته دیگر این که اگر کعبتین در موضع قافیه افتاده باشد، در تعیین تلفظ آن بسیار راهگشا خواهد بود.

دکتر شمیسا با فرض این که تلفظ این واژه به صورت کعبتین است در بخش استثناءات عروضی بیتی از خاقانی آورده است که در آن به زعم او حرف نون اضافه بر وزن است: "گاهی نون را بعد از صدای «ey» یا «ay» اضافه بر وزن آورده‌اند:

وامال کعبتین که حریفی است بس دغا" در قمره زمانه فتادی به دستخون
(شمیسا، ۱۳۸۶، ص ۶۱)

البته این امر به عنوان استثناء زمانی پذیرفتنی است که منحصر به این بیت یا ابیات معدودی باشد. ولی با بررسی دیوان خاقانی - که از قضا واژه کعبتین بسیار پربسامد است - ملاحظه می‌شود که خاقانی هیچ‌گاه کعبتین (به صورت مختوم به هجای کشیده) به کار نبرده است. یعنی در مواردی که «ن» کعبتین ساکن است به گفته عروضیان همواره از تقطیع ساقط می‌شود و به عبارت دیگر مختوم به هجای بلند است و این بدان معناست که خاقانی این واژه را به صورت کعبتین اعتبار نکرده و پیوسته کعبتین را بر وزن کمترین (ka'batin) به کار برده است. اکنون نمونه‌هایی از این دست را از خاقانی ذکر می‌کنیم:

بر بساط نیاز می‌غلطم پیش زخم تو کعبتین کردار
(خاقانی، دیوان، ص ۹۳۸)

زنگ‌عنا را چو آینه همه رویم زخم بلا را چو کعبتین همه چشم
(همان، ص ۹۸۱)

کعبتین وار دس‌تمال توایم همه تن چشم و سوی تو نگران
(همان، ص ۹۷۰)

کعبتین را نقش پروین آورم چون به یادت کعبتین گیرم به کف
(همان، ص ۹۴۹)

بر رقعہ کعبتین همه یکتا برافکند هر صبحدم که برچند آن مهرها فلک
آن کعبتین به رقعہ مینا برافکند با مهرها کنیم قدحها چو آسمان
(همان، ص ۱۸۹)

چنانکه می‌بینیم در این ابیات خاقانی و دیگر ابیاتی که واژه کعبتین آمده، حتی یک مورد نیز یافت نمی‌شود که هجای پایانی آن معادل هجای کشیده باشد. آیا با وجود این باز باید همانند دکتر شمیسا بپذیریم که در تمامی این موارد، شاعر به استثناء متوسل شده و حرف نون اضافه بر وزن است؟ یا این که بپذیریم که این واژه در نزد خاقانی نه کعبتین، بلکه به صورت «ka'batin» (بر وزن کمترین) تلفظ می‌شده است؟

البته در این میان تنها خاقانی نیست که کعبتین را مختوم به هجای بلند آورده است، بلکه بنا بر جستجویی که انجام دادیم شاعران هم‌عصر خاقانی و پیش از او نیز این واژه را مانند خاقانی به کار برده‌اند:

بسان کعبتین بر تخته نردی بگردد روزگار و تو بگردی
(گرگانی، ۱۳۳۷: ۱۱۴)

کعبه کعبتین چه شوی به زیارت به سوی مشتی دون
(سنایی، ۱۳۹۰، ص ۳۴۱)

کعبتین گردان و نظاره بمانده مرد و زن خیل مستان بر بساط نردبازان گشته جمع
(همان، ۲۶۶)

تا ظن نبری که کعبتین داد نداد گر شاه سه شش خواست سه یک زخم افتاد
(ازرقی، به نقل از چهارمقاله، ۱۳۷۵، ۷۱)

سیم‌آسا ز خانه روشن میزبان نیز کعبتین خزان
بزن و گر نه کعبتین بفکن باز سرهنگ ابوالحسن گوید
(مسعود سعد، ۱۸۴، ص ۵۰۴)

چنانکه گفته شد ما در استقراء اشعار شاعران پیش از خاقانی تنها یک مورد یافت شد که در

آن کعبتین^۴ در جایی نشسته است که هجای پایانی آن کشیده است. از این امر چنین می‌توان استنتاج کرد که کعبتین در نزد این شاعران به صورت مثنیٰ ادا نمی‌شده است، بلکه به احتمال قریب به یقین بر وزن کمترین (با «ین» نسبت) تلفظ می‌شده و با توجه به این تلفظ، صامت نون در تقطیع به حساب نمی‌آمده است. پس منطقی به نظر نمی‌رسد که ما در تمامی این موارد با اشکال وزنی مواجه شده آن را به عنوان استثناء توجیه کنیم. از سوی دیگر چنانکه گفتیم کعبتین در بسیاری از موارد از نظر معنایی نیز دلالت بر افراد دارد و معنای مثنیٰ از آن استنباط نمی‌شود:

همه تن چشم و بی بصر ماییم کعبتین وار پیش نقش قضا
گرو رقعۀ قدر ماییم زین دو تا کعبتین و سی مهره
(خاقانی، دیوان، ص ۷۵۳)

چنانکه در بیت دوم ملاحظه می‌شود عبارت «دو تا کعبتین» دلالت بر این دارد که کعبتین نزد شاعر مفرد است و نه مثنیٰ.

نظاره هلال منظران را خورشید چو کعبتین همه چشم
(خاقانی، ۱۳۷۵: ص ۴۸)

شاعر خورشید را به کعبتین تشبیه کرده است که بی‌تردید منظور او یک تاس است و معنای دو از آن استنباط نمی‌شود.

زهی نقشی که این بارم چنان آمد که من خواهم مرا بر کعبتین دل سه شش نقش آمد از وصلش
(خاقانی، دیوان، ص ۹۶۸)

در بسیاری از اشعار می‌بینیم که سخن از «سه شش» و «سه یک» است که دلالت بر آن دارد که در بازی نرد از سه تاس استفاده می‌شده است. اگرچه ما به درستی نمی‌دانیم که آیا در برهه‌ای از زمان چنین بوده و سپس شیوه بازی از سه تاس به دو تاس تغییر یافته است یا این که نرد را به دو شیوه متفاوت (با سه و با دو تاس) بازی می‌کرده‌اند و یا به گفته دکتر محمد جعفر محبوب طاس سوم نه برای انداختن که کاربرد دیگری داشته است (رک: «کعبتین: سه شش، سه یک، دو شش، دو یک»، مجله ایران‌شناسی، سال ۷، ص ۹۴-۹۵).

به هر روی در عبارات و ابیاتی که سخن از سه شش و سه یک است، تصور واژه کعبتین به

صورت مثنی نامناسب است، مگر این که آن را مفرد در نظر بگیریم که بررسی این واژه در بسیاری از ابیات و عبارات، مؤید این نکته است، یعنی کعبتین یا مطلقاً به معنی مفرد است و یا به صورت اسم جنس که تعداد از آن استنباط نمی‌شود. در چنین حالتی معنا با تلفظ مثنی (کعبتین) در تعارض خواهد بود، مگر آن که تلفظ این واژه را با پسوند «ین» (in) نسبت بپذیریم یعنی چیزی منسوب به کعبه (کعبه)، که در این صورت معنای مفرد از آن استنباط می‌شود، چنانکه در این عبارت از ابوریحان بیرونی آمده است: "مکعب چیست؟ شکلی است مجسم همچون کعبتین نرد، گرد بر گرد او شش مربع با درازا و پهنا و بالای او یکسان باشد" (بیرونی، ۱۳۱۸: ۲۵). می‌بینیم که ضمیر او در این عبارت دو بار به کار رفته که مرجع آن کعبتین است. بنابراین هیچ تردیدی نیست که ابوریحان این واژه را مفرد به کار برده و احتمالاً آن را بر وزن کمترین ادا می‌کرده است.

اما درباره این که بازی نرد با دو یا سه تاس بوده است، نمی‌توان به کعبتین استناد کرد و مثنی بودن آن را دلیلی برای اثبات استعمال دو تاس در بازی دانست. اما دکتر محجوب برای رد بازی با سه تاس و تأیید آن با دو تاس، پس از ذکر دلایل متعدد، چنین آورده است:

"گذشته از این مطالب «کعبتین» به صیغه تثنیه است. تثنیه عبارت از صیغه‌ای است که فقط بر دو دلالت می‌کند. در بسیاری زبان‌ها، خاصه زبان‌های نوتر این صیغه از میان رفته و مفرد باقی مانده که بر یک چیز دلالت می‌کند و در برابر آن جمع وجود دارد که دال بر بیش از یک است. در این زبان‌ها (که اکثریت زبان‌های دنیاست) تثنیه را جزء جمع آورده و برای بیش از یک، صیغه جمع را به کار می‌برند، اگر ما صیغه تثنیه را که فقط دلالت بر دو چیز می‌کند به جای جمع استعمال کنیم نقض غرض است، چه برای بیش از دو، در تمام زبان‌های دنیا صیغه‌ای دیگر (جمع) وجود دارد و به هیچ روی منطقی نیست در زبانی که صیغه تثنیه وجود دارد آن را به کار ببریم و از آن اراده صیغه جمع کنیم... از این روی کعبتین را به معنی سه تاس گرفتن غلط و بی‌سابقه است" («کعبتین: سه شش، سه یک، دو شش، دو یک»، مجله ایران‌شناسی، سال ۷، ص ۹۵).

این همان تعارضی است که این پژوهشگر دچار آن شده است و از آنجایی که هیچ تردیدی در تلفظ واژه با صیغه تثنیه نداشته، آن را حجتی بر حرف خود آورده که در بازی نرد همواره با دو تاس به کار می‌رفته، زیرا کعبتین مثنی است. حال اگر او بپذیرد که واژه کعبتین مفرد، و «ین»

پسوند نسبت است، بی‌تردید خواهد پذیرفت که استناد به مثنی بودن واژه و این استنتاج که دو تاس در نرد مورد استفاده بوده، محل تردید خواهد بود.

از سوی دیگر مثنی بودن واژه چیزی نیست که از نظر شاعرانی چون خاقانی پنهان مانده باشد، مگر آن که بپذیریم شاعرانی چون او کعبتین را مثنی نمی‌خوانده‌اند. جالب این که دکتر محجوب، خود نیز در چند سطر پیش از این سخنانش نه کعبتین تنها، بلکه عبارت «دو کعبتین» را به معنی «دو تاس» ذکر کرده و این بدان معناست که او واژه کعبتین را مفرد به شمار آورده است (همان، ص ۹۴).

تحول کعبتین (بر وزن کمتین) به کعبتین

تلفظ کعبتین پس از قرن ششم هجری در نزد بسیاری از شاعران تغییر کرده و به صورت کعبتین در آمده است، اگرچه در موارد متعددی، همچنان معنای مفرد از آن استنباط می‌شود. ما نخستین شاهدی که برای این تحول یافتیم در بیتی از عطار نیشابوری است:

بگردانیم با هم کعبتینی
چو دیدم در بساطت نقد عینی
(خسرو نامه، ۱۳۳۹: ۳۱۲ ب ۶۶۰۰)

در اینجا کعبتین در موضع قافیه افتاده و با عین هم‌قافیه شده است. بنابراین بی‌تردید باید به صورت عین ادا می‌شود.

امیر خسرو دهلوی بارها این لفظ را به کار برده که در اغلب آنها تمایز وزنی برای تشخیص تلفظ واژه ممکن نیست. ما تنها یک مورد یافتیم که در آن واژه مختوم به هجای کشیده (عین) است:

این کعبتین در خور آن نرد کرده‌ایم
نظارگی است چشم در این چرخ مهره باز
(دهلوی، ۱۳۸۷: ۶۳۳)

جامی نیز در غزلی این واژه را در موضع قافیه آورده و آن را با مشرقین، عین، و بین هم‌قافیه کرده است که بی‌شک تلفظ آن در این غزل کعبتین است:

اهل بینش را تماشای جمالت فرض عین ای ز خورشید رخت تا ماه بعد المشرقین
 ز آن مقامر پیشه دارد داغ‌های کعبتین^۱ استخوانم شد ز غم صد پاره و هر پاره‌ای
 (جامی، ۱۳۴۱: ۵۹۷)

با وجود این، در نزد شاعری چون قآنی هنوز تلفظ قدیم آن را می‌توان یافت. او همچون
 شاعران سده ششم و پیش از آن کعبتین را مختوم به هجای بلند آورده است:

می‌زنی مهره که در ششدر خود بشسانی کعبتین^۲ چشمی و من مهره چو نرآدمرا
 (قآنی، ۱۳۳۶: ۹۲۵)

نتیجه‌گیری

از مطالب فوق موارد زیر را می‌توان نتیجه‌گیری کرد:

- چنانکه آوردیم در زبان عربی برای تاس نرد دو اصطلاح فصّ و کعب به کار رفته که هر دو به صورت مثنی (فصّین و کعبین) و نیز جمع (فصوص و کعباب) کاربرد داشته است، اما «کعبتین» را به صورت مثنی برای کعبه به معنی دو تاس نرد باشد در متون عربی نیافتیم.
- لفظ کعبتین در متون ادب فارسی، چه منظوم و چه منثور، بسیار به کار رفته است. از بررسی این متون متوجه می‌شویم که این واژه اغلب به صورت مفرد و به معنی تاس نرد آمده است. از این رو نمی‌توان از آن معنی مثنی دریافت. از سوی دیگر دقت در اشعار شاعران از ابتدای شعر فارسی تا پایان سده ششم بیانگر این است که کعبتین را باید مختوم به هجای بلند دانست تا در وزن این اشعار خللی وارد نشود به طوری که این کاربرد در نزد خاقانی بسامد بسیار بالایی دارد، و این بدان معناست که این لفظ را نه کعبتین، بلکه باید بر وزن کمترین (با پسوند «ین» نسبت) خواند که در این صورت به گفته عروضیان «ن» از تقطیع ساقط می‌شود.
- اگر با توجه به وزن، تلفظ کعبتین را بر وزن کمترین به حساب آوریم، معنای آن چنین خواهد بود: چیزی منسوب به کعبه (کعبه) که دلالت بر تاس نرد خواهد داشت که همانند کعبه و مکعب دارای شش وجه است.

- در اشعار شاعران سده هفتم و پس از آن کعبتین در مواضعی آمده است که باید مختوم به هجای کشیده باشد تا وزن شعر عاری از خلل باشد و این بدان معناست که این واژه از این قرن به بعد در نزد شاعران متعددی به صورت کعبتین ادا می شده است؛ اگرچه در این موارد غالباً معنی مثنی از آن استنباط نمی شود، بلکه در بسیاری مواقع معنی مفرد دارد.

- همانطور که گفته شد واژه کعبتین در قرن ششم و قبل از آن با تلفظ «ka'batin» و بعد از قرن ششم و نیز در دوره معاصر به صورت «ka'batayn» تلفظ شده است. در مواردی معدود؛ در برخی دیوان‌ها مثال‌هایی یافت شد که با این برداشت مطابقت نداشت^۱، این موارد ضمن اینکه دشواری بیان قطعی در مورد تلفظ یک واژه در دوره‌های مختلف تاریخی را نشان می‌دهد؛ می‌تواند نشان دهنده این باشد که شاعران، که معمولاً خود واژه‌سازی می‌کنند، با وجود اشراف بر تلفظ رایج در روزگار خود؛ به دلیل قرابت این دو تلفظ، و نیز به جهت تطابق وزن و مضمون، گاه از شکل صحیح و گاه از شکل مصطلح و متداول عدول کرده‌اند و آن گونه که لازم داشته‌اند به کار برده‌اند؛ زیرا هر یک از این دو تلفظ به هر حال راهی به دهی می‌برد و البته این نکته دلیل بر این نیست که خواننده نیز به هر شکل که بخواهد می‌تواند این کلمه را معنا و تلفظ کند و چنانکه دیدیم ضرورت وزن و نیز معنا در بسیاری موارد شکل صحیح قرائت و معنا را آنچنانکه گفته شد ایجاب می‌کند.

در پایان یادآوری می‌کنیم که ما در این پژوهش علاوه بر کعبتین که یکی از اصطلاحات بازی نرد است، به دایره واژگانی و نیز ترکیبات و عباراتی برخوردیم که همگی مربوط به نرد و بازی آن است و شاعران با استفاده از آنها کنایات، تصاویر و تعابیر زیبایی خلق کرده‌اند که برخی از این اصطلاحات عبارت است از: تخته نرد، نرد، ششدره شدن، کعبتین مالیدن، نقش، بی‌نقش، زخم، ضرب، داو، گشاد، دست خون، قمره، خصل، ندب، و... . پرداختن به این اصطلاحات نیازمند مجالی دیگر و پژوهشی دیگر در متون ادب فارسی است.

پی‌نوشت‌ها

۱. تا چندی پیش تصور می‌شد که خاستگاه تخته نرد در حدود پنج هزار سال پیش در بین‌النهرین بوده است. در دهه بیستم میلادی باستان‌شناس انگلیسی سر لئونارد وولی (Sir Leonard Woolley) در خرابه‌های آرامگاه سلطنتی اور (عراق کنونی) یک بازی تخته نرد یافت که با بازی‌های کنونی تفاوت

چندانی ندارد. چند سال بعد در مقبرهٔ توت‌انخ‌آمون در دلتای نیل تخته نردهای دیگری کشف شدند که قدمت آنها به ۱۵۰۰ سال قبل از تولد مسیح می‌رسد. اکنون کهنترین تخته نرد جهان در شهر سوخته به همراه ۶۰ مهره یافت شده که بسیار قدیمی‌تر از تخته نرد گورستان سلطنتی اور در بین‌النهرین است. این کشف بزرگ، باستان‌شناسان را به این نتیجه رسانده که بازی تخته نرد از شهر سوخته به تمدن بین‌النهرین رفته است.

۲. آثار دیگری نیز دربارهٔ بازی نرد و اصطلاحات آن تألیف شده است که عبارتند از: رسالهٔ کوچکی تحت عنوان «مناظره شطرنج و نرد»، تصنیف حسام صراف خوارزمی که آن را نصرالله پورجوادی تصحیح و چاپ کرده است. «رسالهٔ قمارخانه» از محمد امین میرزا قاجار و کتاب «تخته نرد از نگاه تاریخ و ادبیات» نوشتهٔ عزیز نقدی‌وند.

۳. در برخی منابع کهن عربی اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ بازی نرد آمده است که مجال بحث آن اینجا نیست و می‌تواند موضوع پژوهش مستقلی باشد. (رک: راغب اصفهانی، *محاضرات الأدباء*، ج ۱، ص ۸۲۸-۸۲۹)

۴. سنایی نیز مانند خاقانی در همهٔ موارد بجز مورد زیر «ین» به کار برده است:

عاشق عشق و عشق بازانیم	گرچه از جمع بی نیازانیم
کعبهٔ کعبتین بازانیم	منصف منصف خراباتیم

(سنایی، ۱۳۹۰، ۴۵۶)

۵. تنها یک مورد با تلفظ ka'batayn در دیوان سنایی؛ یعنی قبل از قرن شش و مواردی با تلفظ ka'batin در دیوان صائب، بعد از قرن شش.

منابع

- ابن منظور، محمد، (۱۹۹۵)، *لسان العرب*؛ اعتنى بتصحيحه محمد عبدالوهاب ومحمد الصادق العبيدى، بيروت.
- أبو الفرج الأصفهاني، علي بن الحسين، (۱۴۱۵ق)، *الأغانى*؛ الطبعة الأولى، بيروت: دار إحياء التراث العربى.
- ابوريجان بيرونى، (۱۳۱۶)، *التفهيم*، تصحيح جلال همایى، تهران: چاپخانه مجلس.
- أبو نواس، الحسن بن هانئ، (۲۰۰۱م)، *ديوان*، الطبعة الأولى، بيروت: دار صادر.
- اسعد گرگانی، فخرالدين، (۱۳۳۷)، *ويس و رامین*؛ تصحيح محمد جعفر محبوب، تهران: اندیشه.
- تفضلى، ابوالقاسم، (۱۳۸۶)، *تخته نرد، تقدير يا تدبير*، تهران: عطايى.
- تفضلى، احمد، (۱۳۸۶)، *تاريخ ادبيات ايران پيش از اسلام*، به كوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن.
- الجاحظ، عمرو بن بحر، (۱۴۲۴)، *الحيوان*، الطبعة الثانية، بيروت: دار الكتب العلمية.
- جامى، عبدالرحمن، (۱۳۴۱)، *ديوان اشعار*؛ تصحيح هاشم رضى، تهران: پيروز.
- خاقانى، افضل الدين بديل، (۱۳۷۵)، *ديوان اشعار*، تصحيح جلال الدين كزازى، تهران: مركز.
- خواجه نصيرالدين طوسى، محمد، *معيان الاشعار (نسخه خطى)*، بدون كاتب و تاريخ نسخ، كتابخانه مجلس، شماره ۳۹۸۷، ۷۳ برگ، ۱۷ سطر.
- دهلوى، امير خسرو، (۱۳۸۷)، *ديوان اشعار*؛ تصحيح اقبال صلاح الدين و با اشراف محمد روشن، تهران: نگاه.
- دهخدا، على اكبر، (۱۳۷۳)، *لغتنامه*، چاپ اول از دوره جديد، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، جلد ۱۱.
- راغب اصفهاني، (۱۴۲۰)، *محاضرات الأدباء*، الطبعة الأولى، بيروت: شركة دار أرقام أبى أرقام.

- الزبیدی، محب‌الدین‌ابی‌الفیض‌سید‌محمد‌مرتضی‌الحسینی، (۱۳۰۶ق)، *تاج‌العروس*، المنشأة الأولى بجمالیة مصر.
- الزمخشري، جار الله أبو القاسم محمود، (۱۴۰۷)، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل*؛ رتبه وضبطه محمد عبد السلام شاهين، الطبعة الثالثة، بيروت: دار الكتاب العربي، ۴ أجزاء.
- سنایی، مجدود ابن آدم، (۱۳۹۰)، *ديوان اشعار*؛ به سعی پرویز بابایی، تهران: نگاه.
- سعدی، مصلح‌الدین، (۱۳۸۵)، *کلیات*؛ تصحیح محمد علی فروغی، تهران: هرمس، ۱۳۸۵.
- سیفی بخارایی و جامی، نورالدین عبد الرحمان، (۱۳۷۲)، *عروض سیفی و قافیة جامی*؛ تصحیح بلاخمان و اهتمام محمد فشارکی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شمس قیس، شمس‌الدین محمد قیس الرازی، *المعجم فی معاییر اشعار العجم*؛ تصحیح محمد بن عبد الوهّاب قزوینی و تصحیح مجدد مدرس رضوی، (۱۳۶۰)، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی زوآر.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۶)، *آشنایی با عروض و قافیه*، چاپ دوم از ویرایش چهارم، تهران: نشر میترا.
- صادقی، علی‌اشرف، «دو تحوّل آوایی در زبان فارسی: حذف و اضافه شدن صامت «ن» بعد از مصوت‌های بلند»، *مجله زبان‌شناسی*، ش ۳۸، صفحات ۱-۹.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۷ ش)، *جوامع الجامع*، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
- الطبری، أبو جعفر محمد بن جریر، (۱۴۱۲)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)*، الطبعة الأولى، بیروت: دار المعرفة، ۳۰ جزءاً.
- عطار نیشابوری، فریدالدین، (۱۳۳۹)، *خسرو نامه*، به تصحیح احمد سهیلی خوانساریف تهران: زوآر.
- فخرالدین الرازی، أبو عبدالله محمد بن عمر، (۱۴۲۰)، *مفاتیح الغیب (التفسیر الكبير)*، الطبعة الثالثة، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۳۲ جزءاً.

قآنی، میرزا حبیب الله، (۱۳۳۶)، *دیوان اشعار*؛ به سعی محمد جعفر محبوب، تهران: امیر کبیر.
محبوب، محمد جعفر، «کعبتین: سه شش، سه یک، دو شش، دو یک»، *مجله ایران شناسی*،
سال ۷، صفحات ۸۶-۹۹.

مسعود سعد، (۱۳۸۴)، *دیوان اشعار*؛ به اهتمام پرویز بابایی، تهران: نگاه.
معین، محمد، (۱۳۶۴)، *فرهنگ فارسی*، چاپ هفتم، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، دوره
شش جلدی.

المفضل الضبی، ابن محمد، (۱۴۲۴ق)، *أمثال العرب، الطبعة الأولى*، بیروت: دار ومکتبه الهلال.
مولوی، جلال الدین محمد، *مثنوی معنوی*؛ تصحیح رینولد نیکلسون و به اهتمام نصرالله
پورجوادی، (۱۳۷۳)، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیر کبیر، دوره چهار جلدی.
نظامی عروضی، احمد بن عمر، (۱۳۷۵)، *چهار مقاله*؛ تصحیح محمد قزوینی و تصحیح مجدد
محمد معین، تهران: نشر جامی.

ناتل خانلری، پرویز، (۱۳۷۳)، *وزن شعر فارسی*، چاپ ششم، تهران: انتشارات توس،
یاقوت حموی، شهاب الدین أبو عبدالله، (۱۹۹۵)، *معجم البلدان، الطبعة الثانية*، بیروت: دار صادر،
۷ أجزاء.

Thiesen, Finn, (1982). *A Manual of Classical Persian Prosody: with Chapters on Urdu, KaraKhanidic and Ottoman Prosody*, Wiesbaden: Harrassowitz.

سایت‌های اینترنتی

دانشنامه آزاد، ویکی پدیا Fa.wikipedia.org، ذیل تخته نرد. مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۵.
نیک صالحی، <http://forum.niksalehi.com/showthread>. بازی نرد و تاریخچه
تخته نرد، مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۵.